

بحث پیرامون قانون جدید اطفال

پدیده‌های اجتماعی که باطوار و اشکال مختلف بر حسب مقتضیات و احتیاجات بمنصبه ظهور می‌رسند قهراً بموازات یکدیگر در جاده تکامل طی طریق نموده تا بسرحد کمال برسند. غایت مقصود بشر از زمانی که خود را شناخته و دست به تحقیق و تدقیق زده است چیزی جز حصول باین هدف نیست

بشر ذاتاً طالب کمال است. خواه و ناخواه کلیه اموری که مولود و مخلوق فکر و اندیشه اوست استعداد و خاصیت استکمالی خود را حفظ نموده و بجلو می‌رود حقوق هم که یک پدیده اجتماعی است خارج از این قاعده مسلم نمیتواند باشد، یک نظر اجمالی به تغییرات و تطوراتی که طی قرون و اعصار از پیدایش این علم تا کنون بوقوع پیوسته واقعیت قضیه را آشکار خواهد کرد.

مجازات‌هایی از قبیل کند و زنجیر داغ و درفش. سبزه با حیوانات سبع. کج گرفتن شقه نمودن. زنده بگور کردن که روزگارانی معمول و متداول بوده است امروزه از لحاظ ارزش و احترامی که برای انسانیت قائل شده‌اند مطرود و چنانچه این قبیل اعمال ضد انسانی در تقاطع از دنیا صورت گیرد دلیل و نشانه بر بریت و عقب افتادگی مردم آن قوم خواهد بود. جوامع مترقی امروزه بجهد وانی دارند بوسائل ممکنه ابتدا از وقوع جرائم جلو گیری نموده و در صورت وقوع بنحوی از انحاء مجرم را متنبه و ارشاد نمایند

نیل باین هدف اگر برای مجرمین کلانسال بنا بر جهاتی مشکل و متعذر باشد از جهت بزهکاران خردسال ساده‌تر و عملی‌تر است و اطفال خردسال از آنجا که بحکم فطرت و طبیعت مستعد پرورش و تربیت هستند اکثر ممالک راقیه با تشکیل دادگاهها و مؤسسات تربیتی بمنظور تهذیب و تربیت این قبیل مجرمین اصل مجازات را به اصلاح و تربیت تغییر داده‌اند در حقوق جزائی ایران قبل از تصویب قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار که حتماً میتوان آنرا در زمره مترقی‌ترین و مفیدترین قوانین مصوبه محسوب داشت از تمام آن تئوریه‌ها و اقدامات معموله در سایر کشورها فقط کلمه «**دارالتأدیب**» که متأسفانه وجود خارجی پیدا نکرد در ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی بچشم می‌خوردمضافاً بر اینکه در ماده ۳۵ برای اطفال کمتر از ۱۵ سال تمام مجازات شلاق را تجویز نموده در حالیکه انجمن حمایت حیوانات ایذا و اذیت بچیان را شدیداً منع کرده است

با نهایت تأسف باید اظهار داشت که مواد ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ قانون مجازات عمومی طبق مواد ۳۰ و ۳۱ قانون جدید تا تشکیل قانون اصلاح و تربیت و تدوین آئین نامه‌های مربوطه کما فی السابق اجرا میشود

بحث پیرامون قانون جدید اطفال

بر قانون سابق بارها انتقاد شده و مسئولین زندانها از نزدیک شاهد و ناظر نتایج سوء مجازات اطفال و زندانی کردن آنان در زندان عمومی بوده و فساد و تباهی که از این راه متوجه نسل جوان شده مطلبی انکارناپذیر است بنابراین ما در سطور ذیل جهات ممتازه قانون جدید را ضمن توجه بموارد مهم و مجملی که حین رسیدگی بان دچار خواهیم شد بررسی می‌کنیم بدیهی است قانونگذار هرچند دوراندیش، متبحر و دقیق باشد بالاخره تفاسیر و رویه‌های قضائی که حاصل عمل و تجربه مجریان قانون است بکمک او می‌شتابند تا قانون را گویاتر و بعمل نزدیکتر سازند و اما جهات ممتازه :

الف - اختصاصی شدن دادگاه مرجع رسیدگی

ب - اعطاء تمامی اختیارات بقاضی دادگاه از مرحله تحقیق و تعقیب و صدور

حکم تا اجرای آن

ج - تشکیل کانون اصلاح و تربیت که در حقیقت میتوان گفت حساب‌کودکان با

سایرین مجزا شده است

د - تغییر نحوه مجازاتها و رعایت تناسب آنها با سن و درجه اتهام و سایر اوضاع و احوال دیگر و توجه خاص قانون به جنبه تربیتی آن که منظور نظر اصلی و اساسی قانونگذار بوده است و طرد مجازات شلاق

حال ببینیم حین عمل و اجرای این قانون مواجه باچه اشکالاتی خواهیم شد. مواد ۳۰۲ و ۳۰۱ چگونگی تشکیل دادگاه اطفال و انتخاب مشاورین را بیان داشته و ماده ۴ اینطور انشاء شده است :

« بکلیه جرائم اطفال که سن آنها بیش از ۶ سال تا ۱۸ سال تمام است

طبق این قانون در دادگاه اطفال رسیدگی میشود » .

مسئله مورد نظر آنستکه در صورتیکه دادگاه اطفال طبق ماده ۳۹ قانون مجازات عمومی پس از رسیدگی سن متهم را بیش از ۱۸ سال تمام تشخیص داده و قرار عدم صلاحیت باعتبار شایستگی دادرسی یا دادگاه عمومی صادر نمود و مرجع اخیرالذکر هم باز باستناد همان ماده از جهة آنکه متهم را کمتر از ۱۸ سال میدانند قرار عدم صلاحیت داد مرجع حل اختلاف کجا خواهد بود و تکلیف متهم در خلال این دو قرار عدم صلاحیت چیست ؟

نکته قابل توجه آنکه قاضی دادگاه اطفال طبق ماده ۶ مکلف به رسیدگی مقدماتی از قبیل تعقیب و تحقیق بوده و انشاء و اجراء حکم هم خواهد بود بنابراین باعتباری قاضی تحقیق و باعتباری دیگر قاضی محکمه است و از آنجا که دادگاه اطفال محکمه اختصاصی است چنانچه بخواهیم طبق قانون آئین دادرسی کیفری در موارد مشابه قیاس کنیم ماده ۲۰۴ قانون ما را لذکر حل اختلاف فیما بین محکمه عدلیه و محکمه نظاسی را که یک دادگاه اختصاصی است متوجه دیوان عالی کشور نموده ولی در قانون جدید دادگاه اطفال ذکر کرده از این مسئله نشده مضافاً بر اینکه ماده ۱۶ همین قانون متذکر است که :

بحث پیرامون قانون جدید اطفال

« رسیدگی بجرائم اطفال تابع قانون آئین دادرسی نیست. و چون ماده ۱۶ اطلاق دارد عمل به قیاس و اجتهاد هم جایز نیست و احتیاج به نص دارد.

مسئله دیگر موضوع ماده ۵ این قانون است که میگوید :

« برای رسیدگی بجرائم اطفال دادگاه محل وقوع جرم یا محل کشف جرم یا محلی که طفل در آنجا یافت شده یا محل اقامت طفل یا ابویں یا سرپرست او یا محلی که طفل تحت حفاظت قرار گرفته است صلاحیت دارد.»

قضیه روشن نیست که آیا این دادگاهها همگی در عرض یکدیگر یاخیر و فرماً در صورتیکه دادگاه محل وقوع جرم قضیه را بدو تعقیب نمود و دادگاهی که طفل در آنجا یافت شده نیز تحقیقاتی بعمل آورد بالاخره برای مجازات مجرم چه باید بکنند و دادگاهی که بایستی انشاء و اجراء حکم نماید کدامست ضمناً مواد مندرج در ماده ۱۹۹ آئین دادرسی کیفری در این قانون بکلی مسکوت است و شکی نیست که برای دادگاههای صالحه ایجاد اشکال خواهد نمود.

ماده ۸ میگوید دادگاه پس از پایان تحقیقات مقدماتی با توجه بدلائل یا قرار منع تعقیب صادر مینماید یا مجرمیت و صحبتی از قرارهای دیگر خصوصاً قرار موقوفی تعقیب بمیان نیامده و روشن نیست در مورد جرائمی که موضوع باشکایت شاکی خصوصی تعقیب شده و قابل گذشت است در صورت گذشت شاکی تکلیف چیست.

شاید گفته شود چون منظور نهائی از وضع این قانون تهذیب اخلاق کودک بوده بهر تقدیر بایستی طفل اصلاح و تربیت شود تا روح پلیدی و تبهکاری در دماغش نضج نگیرد.

ماده ۱۳ متذکر است :

« در صورتیکه یک یا چند طفل بشرکت اشخاص دیگر مرتکب جرم شده یا در ارتکاب جرم معاونت کرده باشند فقط بجرائم اطفال در دادگاه اطفال رسیدگی خواهد شد »

بدیهی است که حقاً همینطور هم باید باشد ولی قضات تحقیق میدانند که در عمل باچه اشکالاتی مواجه خواهند شد فرض کنید اعلام وقوع قتل با شرکت چند نفر صغیر و کبیر بدادسرا میشود حال وظیفه دادستان چیست؟ ارجاع امر بیازپرس چگونه خواهد بود؟ چون کشف حقیقت قهراً ملازمه باتحقیقات و اقدامات قانونی از کلیه متهمین دارد آیا بازپرس میتواند از صغار هم تحقیق نماید یا آن قسمت از تحقیقات مقدماتی مربوط باطفال برعهده قاضی دادگاه اطفال خواهد بود.

در صورتیکه واقعه در حوزة یک دادگاه باشد تکلیف چیست؟ قاضی دادگاه که جانشین بازپرس است با عدم دسترسی بقاضی دادگاه اطفال چگونه باید عمل کند؟ آیا باید اقدامات را تا اخذ نمایندگی یا ورود قاضی اطفال به محل توقف گذارد؟ یا رأساً میتواند اقدام کند.

بحث پیرامون قانون جدید اطفال

این نکته مسلم است که اولیاء و وزارت دادگستری در انتخاب قاضی دادگاه اطفال شرایط خاصه را از جهات علمی و اخلاقی در نظر میگیرند که شاید سایر قضات واجد نباشند، قاضی دادگاه اطفال حتماً باید از علوم تعلیم و تربیت و روانشناسی بهره کافی داشته و دقیقاً اسر را از همان وهله اول اقدامات در نظر بگیرد ملاحظه میفرمائید که موضوع چه از لحاظ صورت و چه معنی خالی از اشکال نیست.

یکی از مواد مؤثر و مفید این قانون ماده ۳۲ آنستکه میگوید :

« کسانی که کمتر از ۱۸ سال را بارتکاب جرم تحریک نمایند به مجازاتیکه در قانون کیفر عمومی برای مجرم اصلی مقرر است محکوم میشوند » .

چه اشکالی داشت که کلیه شقوق ماده ۲۸ قانون مجازات عمومی در این ماده پیش بینی میشد تا بهتر ادای مطلب شده و راه هر گونه دستاویز و مغلطه را جهت مجرمین دیگر مسدود نماید ، ممکن است تحریک بصورت تبانی انجام گیرد . مضافاً بر اینکه عموماً حد و مرز فیما بین تحریک و تبانی مسجل نیست و تمیز آن برای دستگاه عدالت ایجاد بحث و فحص خواهد نمود .

این بود مواردی چند از اشکالات متصوره ، ولی بهر تقدیر باید اذعان داشت قانون جدید اطفال فصل نوبنی در تاریخ حقوق جزای ایران گشوده و در صورتیکه خوب اجرا شود نتایج مفید و قابل ملاحظه نتیجه اجتماع و مردم خواهد شد .

این دیگر مربوط به قضات مسئول است که چگونه با انجام وظیفه خطیر خود اجتماع را از گزند یکدلسته از مجرمین مصون داشته و نطفه فساد را در شکم این قبیل کودکان که در آستانه گمراهی و تبهکاری قرار گرفته اند از بین ببرند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی